

## چگونه درک صحیح از آرای دیگران پیدا کنیم؟



دکتر مهدی فرما نیان

نحوه بیان و ورود و خروج ما به مباحث اختلافی میان شیعه و سنی، تاثیر بسیاری دارد در نزدیکی و یا دوری پیروان مذاهب از یکدیگر. اختلافات فکری باید در مدارس و در میان مذهبی ها بحث شود. اما نحوه بحث کردن باید طوری باشد که به تفرقه و کینه توزی نینجامد. ممکن است فردی که این مباحث را مطرح می کند، خودش تعامل خوبی با مخالف داشته باشد. اما شنونده ای که این را می شنود، ممکن است که تحمل گوینده را نداشته باشد. اولاً اختلافات تمام شدنی نیست و ثانیاً اختلافات باید بیان شود. به نظر من حتی در کنفرانس وحدت اسلامی هم باید اختلافات مورد بحث قرار بگیرد. چون ثمره آن این است که درک صحیح از آرای دیگران پیدا می کنیم. اگر در این کنفرانس افراد دو طرف تحمل شنیدن حرف مقابل را داشته باشد و خیلی محترمانه دیدگاه خود را تبیین کنند، سوتفاهم ها و تهمت ها از بین می رود. مثلاً وقتی در دارالتقریب مصر بحث تحریف قرآن مطرح شد، علمای شیعه ثابت کردند که شیعه قائل به تحریف قرآن نیست. بعد از آن موارد متعدد از علمای اهل سنت در کتابهاشان تصریح کردند که ما پذیرفتیم که شیعه قائل به تحریف قرآن نیست. نمونه اش امام محمدالغزالی که از رهبران معنوی اخوان المسلمین

است. وی صریحا در کتابش گفته که شیعه فائل به تحریف قرآن نیست و قرآن شیعیان همان قرآن ماست. لذا این تبیین صحیح آرا سبب همگرایی شده است.

ما می توانیم به یک مخالف بگوییم که دیدگاهت غلط اندر غلط است. می توانیم بگوییم اشتباه است. می توانیم بگوییم صحیح نیست یا اینکه می توانیم بگوییم من قبول ندارم. هر 4 بیان یک معنا دارد ولی بیان آخر خیلی راحت تر مورد پذیرش قرار می گیرد. اگر با بخواهیم با تندی صحبت کنیم مشکلات بیشتر خواهد شد. یکی از برکات دیگر پرداختن به مباحث اختلافی همراه با احترام متقابل، این است که در میان علمای اسلام تحمل مخالف تقویت می شود. یعنی از نظر رفتاری و اخلاقی هم تاثیر مثبت دارد. این گفتگوهای محترمانه باعث می شود که علمای اسلام بفهمند که علمای دیگر مذاهب هم برای نظرات خود دلایلی دارند که آن را به کتاب و سنت نسبت می دهند. لذا علمای اسلامی به راحتی دیگران را تفسیق و تکفیر نکرده و آنها را به راحتی متهم به بدعت گذاری نمی کنند. علمای بزرگ اسلام در طول تاریخ تقریبا تقریبی بوده اند. اگر بگوییم تقریبی بوده اند حداقل دیگران را به راحتی تکفیر نمی کرده اند. اما بعضی از علما هم بوده اند که دیگران را تکفیر کرده اند. شاید یکی از دلایل این امر، این بوده که تبیین خوبی از ادله طرف به آنها نرسیده بوده است. یا اینکه ادله طرف مقابل را همدلانه بررسی نکرده است. پس برای تقریب باید به مشترکات پرداخت و اگر فضا مهیا بود مسائل اختلافی هم در فضایی همراه با احترام مطرح شود. در این صورت ممکن است افراد نظر طرف مقابل را نپذیرند اما همین که بدانند طرف مقابل برای نظر خود مستندات از قرآن و سنت دارد، به سمت تکفیر طرف مقابل نروند و او را متهم به بدعت گذاری و تاثیرپذیری از سایر مکاتب غیراسلامی نکنند. در این شرایط طرف مقابل را معذور می داند هرچند حرف او را قبول نکند.

منبع: مجله الکترونیکی اخوت